

# یا علی اشکر الله بما زین رأسک باکلیل الثناء فی ایام ربک مالک الأسماء ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی  
- شماره ۷۵۹

یا علی اشکر الله بما زین رأسک باکلیل الثناء فی ایام ربک مالک الأسماء و هیکلک بطراز خدمته فی الامکان قد عرفنا  
توجهک الی بعض الجهات و هجرتک فی سبیل الله منزل الآیات هذا ینبغی لک و لکلّ مقبل انقطع فی حبه عما سواه ای  
علی در کلّ احوال در اتحاد قلوب و اجتماعهم بر شریعه امریه الهیه سعی بلیغ مبذول دارید اگرچه بفضل الله بطراز  
اخلاق مزینی و لکن هر چه بر آن بیفزائی عندالله احبّ بوده تا کل باخلاق حسنۀ آن جناب بشطر وهاب توجه کنند و  
در کلّ احوال مراقب امر باشید چنانچه در الواح قبلیه از قلم امریه نازل شده مشاهده در فضل و عنایت و الطاف حقّ  
نما ساها است که یکی از عباد که تو بآن عارفی مع آنکه در سرّ سرّ او و تبعۀ او بکلمات نالایقه و نفحات منتنه و شئونات  
نفسانیّه مشغول بوده اند و حقّ بر کلّ مطلع و محیط ستر فرمودیم و چون در ظاهر باسم الله و ذکر او ناطق تعرّض نمودیم  
و در سنین معدودات از مطلع آیات الواح منیعۀ مخصوص او نازل و ارسال شد و در جمیع احوال تصریحاً و تلویحاً او را  
بمقام پاک که مقدّس از شایبۀ نفس و هستی است دعوت نمودیم که شاید بمقامات عالیۀ ممتنعۀ فائز شود کلّ ذلک من  
فضل ربک و رحمتۀ و عنایتۀ چه که دوست نداشته و نداریم که نفسی از ما خلق له محروم ماند و از ما قدر له بی نصیب  
گردد مع این عنایات متواتره و الطاف متتابعه کأنّهُ حقّ را غافل دانسته و سبب این ستر حقّ بوده قل روحی و نفسی  
لک الفداء یا ستار العالمین ای علی مشاهده در امر رسول الله نما که اوّل امر در کمال ترقی و استعلا بوده و بعد توقّف  
نموده یکی از اسباب مانعۀ آنکه نفوسی برخاستند و بدعوی اینکه ما اهل باطنیم ناس بیچاره را از شریعه الهیه و مکامن عزّ  
ربّانیّه ممنوع نمودند قل تالله کلّ ظاهر اعلی من باطنکم و کلّ قشر انور من لبکم قد ترک المخلصون بواطنکم کما ترک العظام  
للکلاب

این ایام احکام الهیه از مشرق بیان ربّانیّه مشرق انشاءالله از بعد ارسال میشود و این دو آیه مبارکه در آن لوح امنع  
اقدس نازل من الناس من یقعد صفّ النّعال طلباً لصدر الجلال قل من انت یا ایّها الغافل الغرّار و منهم من یدعی الباطن  
و باطن الباطن قل یا ایّها الکذاب تالله ما عندک انه من القشور ترکها لکم کما ترک العظام للکلاب ملاحظه نمائید هر  
نفسی از نفوس موهومه که یافت شد خلیجی از بحر اعظم خارج نمود و بتوهمات نفسانیّه و شئونات هوائیّه بتمام مکر و  
خدعه قیام کرد و فرقه اسلام را متفرّق ساخت قل یا ایّها الموهوم انّ الباطن و باطن الباطن و الباطن الذی جعله الله



ORIGINAL

مقدّساً عن الباطن و الظاهر الى ما لا نهاية لها يطوف حول هذا الظاهر الذي ينطق بالحق في قطب العالم قد ظهر الاسم الأعظم و مالک الأمم و سلطان القدم ليس لأحد مفرّ و لا مستقرّ الا لمن تمسک بهذه العروة الثوّاء التي بها اشرقت الأرض و السّماء و لاح العرش و الثّرى و اضاء ملكوت الأسماء و انار الأفق الأعلى اتّقوا يا قوم و لا تتّبّعوا أهواء الذين اتّبّعوا الهوى و لا اوهام الذين قاموا على المكر في ملكوت الانشاء توجّهوا بوجهه بيضاء و غرر غرّاء الى مطلع آيات ربّكم مالک الآخرة و الأولى كذلك قضی الأمر في اللّوح الذي جعله الله أمّ الألواح و مصباح الفلاح بين السّموات و الأرضين

ای علی تفريق امت سبب و علت ضعف کل شده ولكنّ الناس اکثرهم لا يفقهون بعضی از ناس که ادّعی شوق و جذب و شغف و انجذاب و امثال آن نموده و مینمایند کاش به دارالسلام میرفتند در تکیه قادریه ملاحظه مینمودند و متنبّه میشدند ای علی جمعی در آن محلّ موجود و مجتمع و نفسی الحقّ که مشاهده شده نفسی از آن نفوس زیاده از اربع ساعات متّصلاً خود را بحجر و مدر و جدار میزد که بیم هلاکت بود بعد منصعقاً بر ارض میافتاد و مقدار دو ساعت ابداً شعور نداشت و این امور را از کرامات میشمردن أنّ الله بریء منهم و نحن برآء أنّ ربّک هو العليم الخبير يعلم خائنة الأعین و ما فی صدور العالمین و هم چنین جمعی هستند به رفاعی معروفند آن نفوس بقول خود در آتش میروند و در احيان جذبه سیف بر یکدیگر میزنند بشأنی که ناظر چنین گمان میکند که اعضای خود را قطع نموده اند کلّ ذلک حیل و مکر و خدع من عند انفسهم الا أنّهم من الأخسرين جمیع این امور برأی العین مشاهده شده و اکثری از ناس دیده اند بسیار محبوب است که یکی از آن نفوس موهومه بآن ارض توجّه نماید و تکلیای مذکوره و ما یحدث فیها را مشاهده کند که شاید بخطرات نفسانیّه و توهمات انفس خادعه از شطرا حدیّه و مالک بریه ممنوع نشود

ای علی جمعی در جزائر هند بوده و هستند که خود را از اکل و شرب منع نموده اند و با وحوش انس گرفته اند و لیالی و ایّام بریاضات شاقّه مشغولند و با ذکر ناطق مع ذلک احدی از آن نفوس عندالله مذکور نه با اینکه خود را از اقطاب و اوتاد و افراد ارض میشمردن الیوم رداء افعال و اکیل اعمال ذکر اسم اعظم در ظاهر و باطن بوده انه لکلمة بها فصل بین کلّ حزب و نسف کلّ جبل و سقط کلّ نجم و کسف کلّ شمس و خسف کلّ قمر و انفطر کلّ سماء و انشقّ کلّ ارض و غیض کلّ بحر و ارتعد کلّ قنّة و انقعر کلّ جذع و اضطرب کلّ هضب و ارتعش کلّ بطح الا من شاء ربّک المقتدر القدیر من اقرّ بما اقرّه الله و اعترف بما اعترفه الله انه من اهل البهاء فی ملکوت الانشاء کذلک نزل من افق الوحی امر ربّک المبرم العزیز الحکیم اگرچه لایق نه که قلم اعلی باین بیانات مشغول شود و لکن نظر بفضل و سبقت رحمت قلم رحمن بامثال این بیان ناطق است این الأقویاء و این مظاهر الاستقامة فی ملکوت الانشاء و این مطالع الاقتدار فی جبروت الانقطاع ای علی تا حال اصبع اقتدار خرق استار نموده أنّ ربّک هو السّتار از خدا بطلب که آن نفوس را باستقامت تمام منقطعین عن سواه بر امر مالک انام و سلطان ایّام ثابت و راسخ فرماید لعمری بذلک ترفع اذ کارهم و تثبت اسمائهم و تحقّق مقاماتهم و تفتح علی وجوههم ابواب عرفانی الذي کان اصل الأمر و مبدأه و اسّ المقام و سلطانه طوبی لمن نبذ الدّنيا و ما یدکر فیها و توجّه بالقلب الأنور الى منظر ربّه المتعالی المقتدر العلیّ العظیم

زحمت شما بسیار است احمّل کما حمل فوقها هذا القلب الأرقّ الأدقّ الأشفق اللّطیف البديع المنیر چه که باید ناس را بحکمت چنانچه در کلّ الواح بآن امر شده از اوهامات نفسیه و شئونات غیر مرضیه بنصایح بالغه و حکم ربّانیّه مقدّس

نمائید و بشطر اقدس کشانید اوّل امر و اعظم آن استقامت بر امر بوده انشاء الله باید در کلّ احوال بخدمت مشغول  
باشید چنانچه هستید انما البهاء علیک و علی من احبّک خالصاً لله ربّک و ربّ العالمین